



● در آمد

جایگاه و نقش محوری شهید محراب، آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در ایجاد وحدت بین کلیه نیروهای معارض عراقی در دوران مبارزه با صدام و خصوصیات ارزشمند این شهید بزرگوار در ایجاد بنیان‌هایی که بتواند در حکومت آینده در عراق مؤثر باشد و ویژگی‌های فردی ایشان و همچنین مراحل دشواری که پس از آغاز جنگ تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران و نیز مردم مظلوم عراق تحمیل شد و نقش مقاومت نیروهایی که بر پایه باورهای عمیق اعتقادی و فرامین و احکام الهی با دشمنان اسلام می‌جنگیدند در نبل به پیروزی از جمله نکاتی است که جناب آقای حسین شیخ‌الاسلام به آنها اشاره کرده و تا جایی که این مختصر اجازه می‌داد آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است که از نظر تان می‌گذرد.

گفت و گوی شاهد باران با دکتر حسین شیخ‌الاسلام،  
قائم مقام وزارت امور خارجه

## دیپلماسی فعال ایران در دوران جنگ تحمیلی ...

وجود نداشت. اگر چه شیعیان اکثریت بودند و علمای شیعه نقشی اساسی ایفا کردند. از جمله خانواده شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم که نقش اساسی در بسیج توده‌های مهاجر عراقی برای حضور در جبهه‌های جنگ و رویارویی با تهاجم صدام ایفا کردند.

مرحله دوم جنگ زمانی آغاز شد که صدام مطمئن شد که نمی‌تواند به تهران برسد. آمریکایی‌ها و همه دولت‌های غربی و اکثریت دولت‌های عرب تصمیم گرفتند استان زرخیز خوزستان را تجزیه کنند. نقشه‌هایی چاپ کردند و نام خوزستان را به عربستان تبدیل کردند و شهر اهواز را «الاحواز» نامیدند و شهر خرمشهر را «المعمره» نامگذاری کردند، و تصمیم اساسی گرفتند که این استان را با همه ثروت‌های طبیعی‌اش از قبیل نفت و آب و زمین‌های کشاورزی و موقعیت جغرافیایی، از ایران جدا کنند و یک حکومت در تبعید ساختند و کوشیدند این قسمت از سرزمین ایران را جدا کنند.

مرحله سوم جنگ زمانی آغاز شد که نیروهای اسلام شهر خرمشهر را آزاد کردند. وقتی خرمشهر آزاد شد طراحان جنگ که برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نقشه کشیده بودند، به وحشت افتادند. احساس کردند که روند جنگ طوری شده که موجودیت صدام را به مخاطره انداخته است. به این علت تز جنگ بدون برنده را مطرح کردند. این تز توسط هنری کیسنجر وزیر خارجه پیشین آمریکا ارائه شد. اما این تز هم به علت این که ایران بزرگترین عملیات سیاسی - نظامی را انجام داد شکست خورد. یعنی نیروهای اسلام حساس‌ترین و استراتژیک‌ترین نقطه عراق را که شهر فاو باشد در اختیار گرفتند. با تصرف فاو ارتباط عراق با آبراه‌های بین‌المللی قطع شد. عراق محصور شد در خشکی. عملیات آزاد سازی فاو یک عملیات ویژه و بی‌نظیر بود. رزمندگان اسلام برای این حرکت انواع تمرین‌های نظامی آبی - خشکی را انجام دادند. این در حالی است که ارتش صدام در دو زمینه بر نیروهای اسلام برتری داشت. یکی برتری نیروی هوایی و دوم قدرت بر حسم آتش سلاح‌های زرهی. برای

عرض چند ماه، رئیس‌جمهوری، رئیس دیوان عالی کشور، نخست وزیر تعداد زیادی از وزیران و نمایندگان مجلس را به شهادت رساندند. اوضاع داخلی ایران اینگونه بود. صدام در چنین شرایطی به ایران حمله کرد. بنابراین با توجه به اوضاع داخلی ایران و حمایت‌های بین‌المللی از ارتش عراق صدام حسین هیچ شکی در پیروزی در این جنگ نداشت. هنگامی که صدام قرار داد سال ۱۹۷۵ الجزایر را در پارلمان عراق پاره کرد، خبرنگاران با تعجب از او پرسیدند، چه کار می‌خواهی بکنی؟ به کجا می‌خواهی بروی؟ صدام گفت پاسخ شما را در تهران می‌دهم. به این اندازه اطمینان داشت که در روزهای اول

هنگامی که صدام قرار داد سال ۱۹۷۵ الجزایر را در پارلمان عراق پاره کرد، خبرنگاران با تعجب از او پرسیدند، چه کار می‌خواهی بکنی؟ به کجا می‌خواهی بروی؟ صدام گفت پاسخ شما را در تهران می‌دهم.

جنگ وارد تهران شود.

اگر پشتیبانی خداوند از نظام نوپای اسلامی در کار نبود؟ اگر مردم در صحنه حضور نداشتند، اگر روش حکیمانه امام در کار نبود و مردم را در صحنه احضار نمی‌کرد و جوانان همچون حسین فهمیده را به حضور در جبهه‌های جنگ تشویق نمی‌کرد. اگر جوانان بسیجی در مقابل تانک‌های عراقی ایستادگی نمی‌کردند، حتماً عراقی‌ها وارد تهران می‌شدند. این مرحله اول جنگ بود که همه مردم در آن نقش داشتند. همه افرادی که عاشق انقلاب اسلامی ایران بودند عازم جبهه‌ها شدند. میان ایرانی و عراقی تفاوتی وجود نداشت میان شیعه و سنی تفاوتی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های فراوان مواجه بود، یکی از این چالش‌ها جنگ تحمیلی بود. بفرمایید دیپلماسی ایران چگونه با این چالش‌ها برخورد می‌کرد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. موجب خوشبختی است که الان می‌توانم درباره رویدادهای جنگ تحمیلی صحبت کنم. چنانچه خواسته باشیم در حال حاضر رویدادهای جنگ را بازبینی کنیم، می‌توان بر این نکته تاکید داشت که در واقع هدف نهایی جنگ تحمیلی، نابودی انقلاب اسلامی و نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران بود. صدام حسین هم اشتباه محاسبه نکرده بود. چرا که وقتی که آمریکایی‌ها از صدام حسین خواستند به ایران حمله کند، در این جنگ او را با همه امکانات همراهی کردند. به این علت که ما گروگان‌های آمریکایی را در دست داشتیم. آمریکایی‌ها بر ما فشار می‌آوردند تا گروگان‌ها را آزاد کنیم، و ما با آزادی گروگان‌ها مخالفت می‌کردیم. یک روز بعد از حمله صدام به ایران، جیمی کارتر رئیس‌جمهوری وقت آمریکا از طریق تلویزیون رسماً اعلام کرد که ایران اکنون خوب می‌فهمد چگونه با افکار عمومی دنیا سخن بگوید. آمریکایی‌ها متعهد شده بودند که صدام را از نظر اطلاعاتی و عملیاتی پشتیبانی کنند. متأسفانه در این میان بسیاری از دولت‌های عرب به ویژه شیوخ خلیج فارس متعهد شدند صدام را پشتیبانی مالی کنند. هنگامی که آمریکایی‌ها و همه عرب‌ها از عراق حمایت کردند، خیال صدام از نظر سیاسی جمع شد و به هر جنایتی در طول جنگ تحمیلی دست زد.

در آن مرحله ارتش ایران به علت شرایط پس از انقلاب حضور قوی نداشت. سپاه پاسداران هم شکل نگرفته بود. در همان حال گروهک منافقین همه انقلابیون را در خیابان‌ها ترور می‌کرد. وحشت بی‌سابقه ایجاد کرده بودند، اتوبوس‌های شهری را آتش می‌زدند، افراد حزب‌اللهی را در خانه‌ها و مغازه‌ها ترور می‌کردند. بنی صدر هم که قدرت را در دست داشت با غرب ارتباط برقرار کرده بود و می‌کوشید زمین بدهد و زمان بخرد. منافقین در



یکی از دیدارهای شهید محمدباقر حکیم

رویاروی با برتری ارتش صدام عملیات مک فارلین را تدارک دیدیم، تا توسط این عملیات اطلاعاتی از خود آمریکایی‌ها درباره موشک‌های هاگ و تاو دریافت کنیم. در آن زمان پدافند هوایی ارتش ایران با کمبود موشک‌های هاگ مواجه بود و این در حالی بود که بیشتر پدافند ضد زره ارتش جمهوری اسلامی ایران به موشک‌های تاو نیاز داشتند. بیدرتنگ پس از دریافت موشک‌های هاگ در عرض چند روز ۷۶ فروند هواپیمای عراقی را در منطقه عملیاتی فاو سرنگون کردیم.

اگر ما در فاو حضور نداشتیم قطعنامه ۵۹۸ به این شکل نوشته نمی‌شد. از ابتدای جنگ آرزو داشتیم آتش بس برقرار شود و ارتش صدام از خاک ایران عقب نشینی کند. مایل بودیم مکانیزمی تهیه شود تا به وسیله آن جنگ‌افروز مشخص شود، و این جنگ‌افروز خسارت جنگی بپردازد. با وجود اینکه ارتش صدام صدها کیلومتر مربع از خاک ایران را در اشغال داشت، ولی سازمان ملل متحد مهاجم بودن صدام را نمی‌پذیرفت. نمی‌پذیرفت که صدام جنگ را آغاز کرده است. اما هنگامی که نقطه حساس و استراتژیک فاو را به تصرف خود در آوردیم. آنگاه قطعنامه ۵۹۸ به‌طور متعادل تهیه شد و به تصویب رسید. به موجب این قطعنامه قرار شد مکانیزمی برای معرفی آغازگر جنگ مشخص و تدارک دیده شود و دست‌اندرکاران این مکانیزم مطالعات خود را انجام داده و به ایران نامه نوشتند که صدام آغازگر جنگ بوده است. اگر چه ایران از کارکرد این مکانیزم کاملاً راضی نبود. اما به هر حال صدام جنگ‌افروز معرفی شد و به موجب این قطعنامه قرار شد به ایران خسارت بپردازد.

**درباره مدیریت بحران و دیپلماسی فعال بفرمایید دیپلماسی ایران به چه پشتوانه‌ای تکیه داشت؟**  
قطعاً خدا و مردم پشتوانه اصلی دیپلماسی ایران بودند. عنایات خداوند در قدرت این مردم تجلی یافت. راهکار و روش حضرت امام خمینی (ره) هم در دوران انقلاب و هم در دوران جنگ تحمیلی بر این اساس بود که مردم با انگیزه الهی و زیر یک پرچم مشخص و برای یک هدف مقدس در صحنه حضور می‌یافتند و بانای حضرت امام و «با» نیت قریه الی الله (مرگ بر شاه گفتند. جمهوری اسلامی می‌خواستند. در جنگ هم همان روش دنبال شد. توده‌های میلیونی به جبهه‌های جنگ سرازیر شدند و با انگیزه‌های الهی به سوی شهادت گام برداشتند تا از سرزمین خود و از رهبری خود و دین خود دفاع کنند.

**به نظر می‌رسد، بنیانگذاری مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق یکی از ابزارها و راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی بوده است. این مجلس چه دستاوردی برای جمهوری اسلامی ایران داشت؟**  
اجازه دهید این نکته را اصلاح کنم، ایران پایه مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق نبوده است. مجلس اعلی توسط عراقی‌ها پایه گذاری شد. خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم را و به سیدعبدالعزیز حکیم شفا عنایت فرماید. خدا رحمت کند آن دسته از عزیزانی که در تشکیل مجلس اعلی نقش اساسی داشتند. بسیاری از عزیزانی که زنده هستند خداوند تأییدشان کند. به آنان توفیق دهد تا این راه را ادامه دهند. پایه‌گذاران مجلس اعلی به خدمت امام رسیدند و طرح تشکیل مجلس اعلی را ابتدا با ایشان در میان گذاشتند. خدمت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در آن موقع ریاست جمهوری را بر عهده داشتند رسیدند، بسیاری از جلسات مجلس در خدمت ایشان تشکیل می‌شد.

بنده به عنوان نماینده وزارت امور خارجه از طرف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مکلف بودم در کمیته پشتیبانی از انقلاب اسلامی عراق شرکت کنم. روزهای دوشنبه هر هفته با شهید محراب آیت‌الله حکیم جلسه داشتیم.

**چه فشارهایی از سوی محافل بین‌المللی بر ایران وارد می‌شد؟**

بدون شک محافل بین‌المللی با مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق موافق نبودند. فعالیت مجلس برای آنها پذیرفتنی نبود. اکثر محافل بین‌المللی و دولت‌های عرب از حکومت صدام طرفداری می‌کردند. در این میان فقط سوریه با مجلس اعلا هم‌هانگی می‌کرد و گاهی اوقات لیبی همکاری داشت. به استثنای آن دو کشور، هیچ‌کدام از دولت‌های عربی با مجلس اعلا همکاری نداشتند. البته، نباید فراموش کرد که هر اندازه قدرت جمهوری اسلامی در زمینه باز پس‌گیری سرزمین‌های اشغالی افزایش می‌یافت و برای همه روشن می‌شد که ایران در این جنگ به آستانه پیروزی رسیده، مجلس اعلا به تدریج مورد قبول بسیاری از محافل بین‌المللی قرار می‌گرفت. ولی در ابتدا محافل بین‌المللی با مجلس برخورد منفی داشتند.

**روابط جمهوری اسلامی ایران با دوستان سابق عراقی که اکنون در بغداد حکومت می‌کنند چگونه است؟**

روابطمان با عراقی‌ها برادرانه است. واقعا برادرانه است! برای اینکه آنان روزی هم‌رمز ما بوده‌اند. در کنار یکدیگر با صدام جنگیده‌ایم. خون‌مان در یک خاک به زمین ریخته شده است. گاهی اوقات در خاک عراق و گاهی اوقات در خاک ایران ریخته شده است. همین آقای مالکی (نخست وزیر عراق) مدتی نمایندگی حزب الدعوة را در سوریه بر عهده داشت. بنده می‌رفتم خدمت ایشان در حسینیه حزب الدعوة در منطقه زینبیه در مراسم عاشورا عزاداری می‌کردم. ایشان هم در مجلس عزاداری عاشورا در سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق شرکت می‌کرد.

با یکدیگر یکجا سینه‌زنی می‌کردیم، با یکدیگر یک هدف داشتیم، من سفیر بودم، ایشان هم نماینده حزب الدعوة بود ولی با هم برادر بودیم و این برادری تا امروز هم ادامه دارد و آن شاء الله در آینده نیز ادامه خواهد یافت. آمریکایی‌ها نمی‌توانند این برادری را بشکنند، هیچ‌کس نمی‌تواند این برادری را بشکند. اگر پیوند به خاطر خدا باشد هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از هم جدا کند.

**امروزه بیشتر تحلیله‌گران و صاحب‌نظران بین‌المللی سیاست جمهوری اسلامی ایران را موفق و تأثیر گذار می‌دانند، بفرمایید دیپلماسی ایران براساس چه معیارها و ملاک‌هایی به راهش ادامه می‌دهد؟**

این سیاست گذاری واقعا بر اساس تکیه به خداوند و بر اساس ادامه راه صحیح امام خمینی است. معیار سوم

ملاحظه کردم که ایشان روزهای دو شنبه روز هستند. پشت سر ایشان نماز مغرب و عشا می‌خواندم و بعد ایشان افطار می‌کردند و من جلسه را ترک می‌کردم. این جلسات حدود یک ساعت و ۳۰ دقیقه قبل از اذان مغرب شروع می‌شد. یکی از افتخارات من این است که آیت‌الله حکیم اطاق جلسه را با حضورشان مزین می‌کردند. با یکدیگر همکاری نزدیک داشتیم. اما ماهیت این همکاری و ماهیت کار مجلس اعلا کاملاً عراقی بود. ظلمی که صدام به خانواده حکیم و به همه عراقی‌ها وارد آورده، رفتار مستبدانه و سیاست سرکوبگرانه‌ای بود که صدام در عراق اعمال می‌کرد. خود عراقی‌ها برای احقاق حقوق خود و برای پشتیبانی از انقلاب اسلامی عراق مجلس اعلا را تشکیل دادند. مجاهدان عراقی امام خمینی (ره) را رهبر خودشان می‌دانستند. آیت‌الله حکیم با خلوص

**من می‌خواهم این نکته را مورد تأکید قرار دهم که مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق یک نهاد کاملاً عراقی بود، هر چند که در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته بود. سیاست و اهداف و برنامه‌های مجلس اعلا کاملاً عراقی بود.**

و نیت پاک به حضرت امام نگاه می‌کرد، و امام همواره سفارش خاص ایشان را به مقام‌های جمهوری اسلامی ایران می‌کردند. من می‌خواهم این نکته را مورد تأکید قرار دهم که مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق یک نهاد کاملاً عراقی بود، هر چند که در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته بود. سیاست و اهداف و برنامه‌های مجلس اعلا کاملاً عراقی بود. و چون آنها ضد صدام بودند و ما نیز با صدام می‌جنگیدیم، بسیاری از اهداف و دیدگاه‌هایمان مشترک بود.

**در آن برهه جنابعالی یکی از مسئولان نهاد دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بودید؛ به نظر شما در پرتو فعالیت‌های سیاسی و نظامی مجلس اعلا در ایران،**

## ما می‌دانیم که تجزیه عراق به ضرر ماست. تجزیه عراق باعث تشنج در منطقه و ایجاد دردسر در مرزهای ایران می‌شود. ما خواهان عراق متحد و یکپارچه هستیم. ما طرفدار تمامیت ارضی عراق هستیم.

ما با سنی‌های عراق ارتباط خوبی داریم، آقای مشهدانی (رئیس پارلمان عراق (که سمبل جامعه اهل سنت عراق است همواره به ایران رفت و آمد دارد. معاون رئیس جمهوری عراق هم که سنی است مرتب از تهران بازدید می‌کند. خود آقای جلال طالبانی که نمی‌دانم او را در ردیف کردها و یا اهل سنت می‌پندارید، با ایران روابط نزدیک دارد. البته، آقای طالبانی خود را سنی معرفی می‌کند.

اگر اجازه دهید کمی درباره شهید محراب آیت‌الله سیدمحمد باقر حکیم صحبت کنیم. چه خاطراتی از ایشان دارید؟

از شهید حکیم خاطرات زیادی دارم. درباره چه مسائلی دوست دارید اشاره کنم؟ آقای حکیم از نظر فکری مردی بسیار عمیق و خوش فکر بود. در رفتارش بسیار متین بود. هر هفته که با ایشان ملاقات می‌کردم و جلسه تشکیل می‌دادم او را عارفی کم نظیر می‌یافتم. با توجه به موضوعاتی که در جلسه مطرح می‌شد و از خلال بحث‌هایی که با ایشان داشتم به خوبی احساس می‌کردم که ایشان عاشق حزب‌الله لبنان است. خیلی سیدعباس موسوی را دوست داشت. خدا رحمت کند شهید سیدعباس موسوی و شهید سیدمحمد باقر حکیم را که هر دو از خدمتگزاران راستین اسلام بودند.

حال که به حزب‌الله لبنان اشاره کردید، بفرمایید چه تفاوتی میان شیعیان لبنان و شیعیان عراق وجود دارد؟

هیچ تفاوتی میان شیعیان عراق و شیعیان لبنان وجود ندارد. هر دو یک مسیر را می‌پیمایند البته، ماهیت شیعیان لبنان این است که ضد اسرائیلی تر و ضد آمریکایی تر هستند. در حالی که همه شیعیان عراق ضد آمریکایی نیستند. در برخی موارد ناچارند با آمریکایی‌ها تعامل کنند. شرایط سیاسی شیعیان عراق با شیعیان لبنان فرق می‌کند. من میدویم که شیعیان عراق فریب آمریکایی‌ها را نخورند. ماهیت آمریکایی‌ها این است که نمی‌توانند خود را با دیگران یکسان ببینند. آمریکایی‌ها حس برتری جویی دارند. سرباز آمریکایی می‌گوید باید کاپیتولاسیون داشته باشد. آمریکایی‌ها کاپیتولاسیون را برای غیر سربازان خودشان و برای آدمکش‌ها هم می‌خواستند. برای کارمندان عادی هم می‌خواستند دولت عراق در برابر این خواسته مقاومت کرد، و اکنون محدود شده به سربازان آمریکایی که به دستور دولت عراق در عملیات نظامی شرکت می‌کنند.

اگر آمریکایی‌ها بخواهند مدت طولانی تری در عراق بمانند. آیا پیش‌بینی می‌کنید که جنبشی همچون جنبش حزب‌الله لبنان در عراق به وجود آید؟

آمریکایی‌ها نمی‌توانند در عراق بمانند. همین قدر هم که مانده‌اند به ضررشان تمام می‌شود. وقتی وارد عراق شدند، به خاطر این که یک رژیم دیکتاتور و قصاب و مستبد را از سر ملت عراق برداشتند، محبوب همه ملت عراق بودند. ولی با ماندن‌شان و اشتباهاتی که مرتکب شدند. اوضاع جوری شد که یک خبرنگار با لنگه کفش زد به سر بوش این بیانگر احساسات ملت عراق است. همان سرباز آمریکایی که ملت عراق را نجات داد دیری نپایید که روزانه ده‌ها تن از مردم عراق را به قتل رساند. هر چه بیشتر در عراق بمانند. نفرت مردم عراق نسبت به آنها بیشتر می‌شود. ملت عراق ذاتاً ضد سلطه است. عراقی نیازی به تشکیلاتی مانند حزب‌الله ندارند. آمریکایی‌ها حتماً از عراق بیرون خواهند رفت. از افغانستان هم بیرون خواهند رفت. ■

توانم تسلیم شدن و خضوع او به بیگانه کافر را تأیید کنم. بنابراین هرگز این‌طور نبوده و ما با این موافقتنامه مخالف هستیم. ولی نمی‌توانیم به دولت عراق فشار وارد کنیم تا دیدگاهمان را قبول کند. و این کار را هرگز نخواهیم کرد. اما نظرمان را برای دولتمردان عراقی اعلام می‌کنیم. پس از امضای موافقتنامه هم دیدگاهمان را با صراحت بیان کردیم. اکنون رسماً به شما اعلام می‌کنم که این موافقتنامه لکه سیاهی است و مردم عراق به وظیفه‌شان در قبال آن عمل نمایند.

برخی محافل عرب، جمهوری اسلامی ایران را متهم می‌کنند که فقط از شیعیان عراق حمایت می‌کند، آیا ایران با جامعه اهل سنت عراق هم ارتباط دارد؟

ما اگر با همه جوامع عراق ارتباط دوستانه نداشته بودیم، موفق نمی‌شدیم. آمریکایی‌ها اولین هدفی را که در عراق دنبال کردند، تجزیه این کشور بود. آنها گفتند مناطق کرد نشین متعلق به کردهاست و مناطق سنی نشین متعلق به سنی‌هاست و مناطق شیعه نشین متعلق به شیعیان است. ما می‌دانیم که تجزیه عراق به ضرر ماست. تجزیه عراق باعث تشنج در منطقه و ایجاد دردسر در مرزهای ایران می‌شود. ما خواهان عراق متحد و یکپارچه هستیم. ما طرفدار تمامیت ارضی عراق هستیم. وجود دولت قوی در عراق حتماً به نفع ماست تا اجازه ندهد بر علیه ما در عراق توطئه‌ای صورت گیرد. ما خواهان عراق با ثبات و امن هستیم.



این است که جمهوری اسلامی ایران سلطه پذیر نیست. سلطه را نفی می‌کند، از مستضعفان پشتیبانی می‌کند. وقتی که از مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق پشتیبانی کردیم، هرگز نمی‌دانستیم که این مجلس روزی در عراق حکومت خواهد کرد. هنگامی که از حزب الدعوة دفاع می‌کردیم نمی‌دانستیم که این حزب روزی حاکم می‌شود. به علت اینکه راه این گروه‌ها و افراد را صحیح می‌دانستیم از آنها حمایت می‌کردیم. وقتی حزب‌الله تشکیل شد، باور نمی‌کردیم روزی به اولین قدرت لبنان تبدیل می‌شود. الآن هم از حماس دفاع می‌کنیم. وقتی حماس تشکیل شد، باور نمی‌کردیم روزی قدرت را در غزه به دست می‌گیرد. چون راه حماس راهی صحیح است و راهی خدایی است و به اسلام تکیه دارد و پایگاه اجتماعی دارد، از آن پشتیبانی کردیم. واقعیت امر این است که روابطمان را به خاطر اصولگرایی و دفاع از اصول الهی برقرار می‌کنیم. رمز موفقیت ما این است که از اصول الهی منحرف نشده‌ایم. اگر خدای نکرده دچار لغزش شدیم، به زودی جبران کرده و اصول خویش را مورد معامله قرار ندادیم. زرق و برق دنیایی را نفی کرده‌ایم. هیچ وقت یک بیچه حزب الهی لبنانی را به صدتا آمریکایی نمی‌فروشیم.

ما معتقدیم که همه می‌میریم و روز قیامت از ما بازخواست می‌کنند. نمی‌خواهیم در محضر خداوند شرمنده باشیم. این فرمایش حضرت امام تعیین کننده است که آنچه وظیفه ماست انجام می‌دهیم و نتیجه خود به خود حاصل می‌شود.

برخی محافل مطبوعاتی اخیراً ادعا کرده‌اند که موافقت دولت و پارلمان عراق با موافقتنامه امنیتی با آمریکا با چراغ سبز ایران بوده است؛ نظرتان در این مورد چیست؟

خبر اصلاً این‌طور نیست. همه دنیا بدانند که این موافقتنامه یک لطمه اصولی به شیعیان وارد آورده است. اگر دعوت اولین اصل سیاست خارجی اسلامی باشد، بلاشک دومین اصل آنان نفی سبیل است. یعنی هیچ کفاری نمی‌تواند بر مسلمین حکومت کند. این نص صریح قرآن کریم است که می‌فرماید: لا یجعل الله الکافرین علی المسلمین سبیلاً.

این اصل سیاست خارجی اسلام است. متأسفانه این اصل در این موافقتنامه خدشه دار شده است. با این موافقتنامه سلطه بیگانه را بر شیعه و بر مومن پذیرفتند. ما حتماً این موافقتنامه را رد می‌کنیم. اما آن‌ها چرا مجبور شدند امضا کنند، حرف دیگری است. خودشان جوابگوی کردار خودشان هستند. البته، قرار است مردم عراق طی رفراندومی نظرشان را درباره این موافقتنامه اعلام کنند. دیدگاه نمایندگان پارلمان عراق که هنگام تصویب این موافقتنامه به سه نکته اشاره کرده‌اند قابل تقدیر است. آنها گفتند:

اولاً: دولت باید ولایت قضایی (کاپیتولاسیون) را تعدیل کند.

ثانیاً: در این موافقتنامه تصریح شده که آمریکا، وضعیت عراق را از زیر بند هفت منشور شورای امنیت سازمان ملل متحد خارج می‌کند. معلوم نیست آمریکا این کار را انجام دهد.

ثالثاً: برای اینکه سرنوشت نهایی این موافقتنامه روشن شود، نمایندگان پارلمان عراق خواستار برگزاری رفراندوم عمومی شدند تا مردم تصمیم بگیرند. این رفراندوم می‌تواند به آمریکا فشار وارد کند تا از این موافقتنامه سو استفاده نکند. چون این حق مردم عراق است که موضع‌شان را در قبال این موافقتنامه اعلام کنند. اگر کسی خواسته باشد خود را نوکر خارجی قرار دهد من نمی‌توانم دخالت کنم ولی من هرگز نمی‌